

## خصوصیات عالم برزخ از نظر علامه طباطبائی رحمته الله علیه با تأکید بر

### تفسیر المیزان

مسعوده بتول<sup>۱</sup>، طاهره آل بویه<sup>۲</sup>

#### چکیده

نوشتار حاضر بر آن است با مراجعه به نظرات علامه طباطبائی رحمته الله علیه و کتاب المیزان مخاطب را با ویژگی‌های عالم برزخ و زوایای مبهم آن آشنا کرده و تصویری روشن از خصوصیات برزخ ارائه کند. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات در تحقیق حاضر به صورت توصیفی-تحلیلی و نوع گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای بوده است. از نظر علامه طباطبائی رحمته الله علیه عالم برزخ خصوصیتی دارد مانند بازبودن پرونده تبعات اعمال انسان در برزخ، محل آگاه شدن انسان به حقانیت خداوند، آغاز آن از زمان مرگ و امتداد آن تا روز قیامت. استمرار سیر تکاملی ارواح انسان‌ها در این عالم به صورت تکامل علمی به این معناست که افزایش معرفت انسان نسبت به خداوند و بسیاری از معارف دینی امکان‌پذیر است. بنابراین، هم‌اکنون عالم برزخ وجود دارد و کسانی که مرده‌اند در این عالم به سر می‌برند؛ زیرا روح، گوهر مستقلی است مجرد از بدن که بدون جسم عنصری نیز به بقای خود ادامه می‌دهد. نتیجه اینکه تمام ادیان الهی مبدأ و مقصد را پذیرفته‌اند و نقطه بحث برخی اندیشمندان، کیفیت رستاخیز و چگونگی معاد است.

**واژگان کلیدی:** برزخ، مرگ، عالم مثال، علامه طباطبائی رحمته الله علیه. قیامت، ارواح.

۱. دانش‌پژوه کارشناسی ارشد گروه کلام اسلامی از پاکستان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی‌العالمیه، قم، ایران.

Masoudah Batool, Department of Theology From Pakistan, Bint Al-Hoda Higher Education Complex, Al-Mustafa International University, Qom, Iran.

Email: mswdhtwtl@gmail.com Orcid ID: 0009000540018955.

۲. مربی گروه علمی کلام اسلامی، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی‌العالمیه، قم، ایران.

Taharah Albouyeh, Department of Theology, Bint Al-Hoda Higher Education Complex, Al-Mustafa

International University, Qom, Iran. Email: T. albouyeh@gmail.com Orcid ID.: 0000-0001-76621901.

## ۱. مقدمه

اعتقاد به زندگی پس از مرگ در فطرت و سرشت انسان ها وجود دارد. انسان به طور ذاتی کمال طلب و به دنبال جاودانه شدن است. انسان ها بیهوده خلق نشده اند، بلکه برای رسیدن به کمال آفریده شده اند. برای رسیدن به کمال، چیزی که بیش از همه به انسان کمک می کند به یاد مرگ بودن و شناخت عوالم بعد از مرگ است. براین اساس انسان دوست دارد از سرنوشت خود در آینده آگاه شود و بداند که با فرارسیدن مرگ چه اتفاقی برای او خواهد افتاد. زندگی او در عالم دیگر با چه ویژگی هایی ادامه خواهد داشت و آن سرای دیگر کجاست. ویژگی های آن چیست و اینکه عالم برزخ از چه زمانی آغاز می شود و تا چه زمانی ادامه دارد. آیا عالم برزخ عمومیت دارد و همه انسان ها بعد از مرگ وارد این عالم می شوند؟ آیا در عالم برزخ تغییر و تکامل برای برزخیان امکان دارد و اگر امکان دارد از چه راهی است و اینکه چه فرقی بین عالم دنیا و برزخ وجود دارد و برزخیان چه ویژگی هایی دارند. آیا حیات برزخی مانند حیات دنیوی است. بنابراین، انسان همواره در تلاش بوده، پاسخ سؤالات فراوانش را از منبع قابل اعتماد بیابد. از این رو، بحث عالم برزخ یکی از مسائل مهم فلسفی، عرفانی و کلامی است که از زمان دور تا به حال مورد بحث، بررسی و توجه قرار گرفته است. عالم برزخ به دلیل روحانی بودن و مجرد از ماده، شبیه عالم مجردات محض بوده و به دلیل داشتن برخی از آثار ماده مانند شکل و مقدار، شبیه عالم مادیات محض است. عالم برزخ عالم مادی نیست. بنابراین، مجهولات و ابهامات انسان در مورد آن به نسبت پدیده های مادی بیشتر است و برای تحقیق پیرامون آن از منبع عقل نمی توان زیاد استفاد کرد.

برای برطرف کردن مجهولات و پاسخ گویی به سؤالات پیرامون ماهیت و ویژگی های این عالم باید به آیات قرآن و روایات معصومین علیهم السلام مراجعه کرد. از آنجاکه آیات کلی یا مجمل هستند برای توضیح و رفع اجمال آنها باید سراغ مفسران بزرگی مانند علامه طباطبایی رحمته الله علیه رفت. قرآن مجید در مورد قسمتی از زندگی انسان که عالم قیامت باشد فراوان صحبت کرده است، ولی درباره عالم برزخ که عالمی است واسطه درمیان این جهان و قیامت مطلب کم است. به همین دلیل ابهاماتی در مورد آن وجود دارد و خصوصیات و جزئیات آن چندان روشن نیست. نکته مهم این است که



قرآن اصل وجود عالم برزخ را باصراحت بیان و اثبات کرده است. علامه طباطبایی درباره عالم برزخ فرموده: «اسلام معتقد است که انسان پس از مرگ ظاهری به طرز خاصی زنده است. اگر نیکوکار است از نعمت و سعادت برخوردار و اگر بدکار است معذب خواهد بود و هنگامی که قیامت برپا شود برای حساب عمومی حاضر می‌شود و این عالمی که انسان پس از مرگ تا روز قیامت در آن هست برزخ نامیده می‌شود». بنابراین، اصل برزخ مورد تأیید است. پژوهش حاضر تلاش می‌کند با استفاده از نظرات مفسر بزرگ اسلام علامه طباطبایی و با تأکید بر تفسیر المیزان پاسخ سوالات جزئی مطرح شده درباره این بحث را توضیح دهد. روش تحقیق و تجزیه و تحلیل اطلاعات در تحقیق حاضر به صورت توصیفی-تحلیلی بوده و نوع گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و نیز با استفاده از سایت‌ها و شبکه‌های اینترنتی و کتابخانه‌های دیجیتالی مانند کتابخانه نور است.

## ۲. مفهوم‌شناسی

### ۱-۲. برزخ در لغت

برزخ در لغت به معنای حائل و جداکننده دو چیز از یکدیگر است مثل دیوار بین دو خانه. اصل این واژه، برزه بوده و در عربی به صورت برزخ درآمده که به معنای حائل و واسطه بین دو چیز است. در قرآن و احادیث و متن‌های فلسفی و عرفانی به همین معنا به کار رفته است. برای مثال، وسوسه به: «بrazخ الایمان» (حد وسط کفر و ایمان یا شک و یقین) تعبیر شده یا فاصله میان مرگ و رستاخیز، برزخ نام گرفته است. همچنین فاصله بین ایمان قوی و ضعیف و یا حد وسط شک و یقین را برزخ می‌نامند. (غضنفری، ۱۳۸۶، ۹۶/۱) در کتاب مفردات راغب آمده است: «برزخ مانع و حدفاصل میان دو چیز است. برزخ در قیامت، فاصله بین انسان و رسیدن او به درجات رفیع در آخرت است». خدای متعال می‌فرماید: «پشت سر آنان (مردگان) برزخی تا روز قیامت است» (مؤمنون: ۱۰۰). علامه طباطبایی رحمته علیه در تفسیر این آیه فرمود: «کلمه برزخ به معنای حائل در میان دو چیز است. مراد از اینکه فرمود برزخ در ماورای ایشان است این است که این برزخ در پیش روی ایشان قرار دارد و محیط به ایشان است و اگر آینده ایشان را ورای ایشان خوانده به این عنایت

است که برزخ در طلب ایشان است. همان طور که زمان آینده، امام و پیش روی انسان است و گفته می شود: «وراءك يوم كذا» معنایش این است که چنین روزی به دنبال توست و این تعبیر به این عنایت است که زمان، طالب آدمی است، یعنی منتظر است که آدمی از آن عبور کند» (طباطبایی، ۱۳۸۶، ۹۷/۱۵). در قرآن ۳ بار واژه برزخ آمده است: الرحمن: ۱۹ و ۲۰؛ فرقان: ۵۳؛ مؤمنون: ۱۰۰ که در دو مورد یعنی، آیه ۵۳ سوره فرقان و آیات ۱۹ و ۲۰ سوره الرحمن به معنای لغوی، مرز حاجب و حائلی میان آب شیرین و شور دریا استعمال شده است. در یک مورد دیگر یعنی، سوره مؤمنون آیه ۱۰۰ منظور از برزخ همان عالم برزخ به معنای اصطلاحی استعمال شده و فرموده: «و پشت سر آنان (مردگان) برزخی تا روز قیامت است» (مؤمنون: ۱۰۰).



## ۲.۲. برزخ در اصطلاح

برزخ به معنای فاصله بین دنیا و آخرت از هنگام مرگ تا برانگیخته شدن در روز قیامت است. برزخ را با نام های دیگری مانند عالم مثال و عذاب قبر به کار می برند. علامه طباطبایی رحمته الله علیه در تبیین معنای اصطلاحی برزخ فرموده است: «منظور از برزخ، عالم قبر است و آن عالم مثال است که انسان بعد از مرگش تا برپایی قیامت در آن زندگی می کند» (طباطبایی، ۱۳۸۶، ۶۸/۱۵). برزخ در قرآن تنها در آیه ۱۰۰-۹۹ سوره مؤمنون در معنای اصطلاحی بیان شده است. خداوند در این آیه فرموده است: «آنها همچنان به راه غلط خود ادامه می دهند تا زمانی که مرگ یکی از آنان فرارسد، می گوید: پروردگار من! مرا بازگردانید شاید در آنچه ترك کردم (کوتاهی نمودم) عمل صالحی انجام دهم، ولی به او می گویند، چنین نیست. این سخنی است که او به زبان می گوید (و اگر بازگردد کارش همچون گذشته است و پشت سر آنان برزخی است تا روزی که برانگیخته شوند» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ۳۴۸/۱).

در این آیات به وجود عالمی بین مرگ و قیامت به نام برزخ اشاره شده است. علامه طباطبایی رحمته الله علیه در تفسیر این آیه می فرماید: «منظور از برزخ، عالم قبر است و آن عالم مثال است که آدمی بعد از مرگش تا قیام قیامت در آن زندگی می کند و این مفاد آن چیزی است که از سیاق

آیه فهمیده می‌شود و روایات بسیاری از طریق شیعه و اهل سنت در این باره وارد شده است» (طباطبایی، ۱۳۸۶، ۱۶۸/۱۸). بنابراین، برزخ دو معنای لغوی و اصطلاحی دارد. معنای لغوی آن حاجز و مانع در هر چیز است مانند پرده‌ای که میان زرده و سفیده تخم مرغ، مانع از مخلوط شدن این دو ماده می‌شود، اما معنای اصطلاحی برزخ، فاصله زمانی میان دنیا و جهان آخرت است همان طور که در آیه ۱۰۰ سوره مؤمنون به آن اشاره شده است.

### ۳. ویژگی‌های عالم برزخ

انسان که اشرف مخلوقات است خواهان جاودانگی است. خداوند نیز این خواسته انسان را محقق کرده و او را جاودانه کرده است، اما نه جسمش را بلکه، خود انسان که همان روح اوست. این روح پس از جدا شدن از جسم به مقتضای حالاتی که دارد خداوند او را به عالمی به نام برزخ منتقل می‌کند تا شاهد جواب اعمال انجام داده دنیایی خود باشد و راه خود را به سوی جاودانه شدن ادامه دهد. عالم برزخ ویژگی‌هایی دارد مانند اینکه ملکوت عالم مادی محسوب شده و به آن احاطه دارد و از زمان مرگ آغاز شده و تا روز قیامت و برانگیخته شدن ادامه داشت و ارواح انسان‌ها در آن با بدن مثالی و برزخی به سر می‌برند. بدن مثالی از بدن مادی و دنیوی لطیف‌تر، ولی شبیه به آن است. در این عالم به ارواح انسان‌ها به تناسب اعمالی که در دنیا انجام داده‌اند، اجازه داده می‌شود با دیگر برزخیان ارتباط برقرار کرده و به خویشاوندان خود در عالم برزخ و در عالم دنیا سرزده و از احوالات آنها باخبر شوند. از دیگر ویژگی‌های این عالم این است که ارواح انسان‌های کامل، توان تأثیر و تصرف در عالم طبیعت را دارند و این قدرت و قوت ارواح در اثر قوت اعتقادات و اعمال شخص است و ارواح انسان‌ها در این عالم همچنان به سیر تکاملی خود ادامه می‌دهند. (سبحانی، ۱۳۷۲؛ سعیدی مهر، ۱۳۸۱، ۲۴۰/۲-۲۴۴؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۳۲۳/۱۴؛ حسینی طهرانی، ۱۴۲۳، ۱۶/۲)

#### ۴. قالب مثالی در برزخ

ارواح انسان‌ها در عالم برزخ با بدن مثالی و برزخی به سر می‌برند. بدن مثالی که از بدن مادی و دنیوی لطیف‌تر، ولی شبیه به آن است. این اجسام برزخی با اجسام مادی دنیوی تفاوت دارد. از این رو، امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «ارواح در عالم برزخ در صفت اجساد هستند؛ یعنی اینان جسم دارند، ولی جسد ندارند، بلکه جسمی شبیه جسد است. واژه جسد با جسم تفاوت دارد. جسد به کالبد سخت انسانی در جهان مادی گفته می‌شود، ولی جسم می‌تواند لطیف همانند هوا باشد». از این رو، آن حضرت از جسم برزخی بانام صفة الاجساد تعبیر می‌کند» (کلینی، ۱۳۸۵، ۲۴۴/۳). علامه طباطبایی رحمته الله علیه نیز در این باره فرمود: «عالم مثال، موجودی است که ماده نیست، ولی بعضی لوازم ماده مانند مقدار، شکل و عرض فعلی را دارد» (طباطبایی، ۱۳۹۲، ۲/۱). امام جعفر صادق علیه السلام در توصیف بدن برزخی فرمود: «روح مردم مؤمن در عالم برزخ در بدن‌هایی شبیه بدن‌های دنیایی آنها قرار دارد». آن حضرت در مطلب دیگری فرمود: «روح انسان‌ها در برزخ به صورت بدن‌های دنیایی هستند» و نیز فرمود: «چون خداوند روح مؤمنی را قبض کند این روح در کالبدی همچون کالبدی که در دنیا داشت، قرار می‌گیرد و در آن متنعم است و می‌خورد و می‌آشامد و چون تازه‌واردی به آنها رسد او را به همان صورتی که در دنیا بوده، می‌شناسد» (کلینی، ۱۴۰۷، ۲۴۴/۳).

براین اساس می‌توان گفت یکی از مهمترین ویژگی‌های عالم برزخ و تفاوت اساسی آن با عالم ماده، مثالی بودن آن است، البته عالم برزخ تفاوت‌های مهم دیگری نیز با عالم ماده دارد که عبارتند از:

- حیات برزخی و اخروی انسان و هر جاندار دیگری که حیات واقعی دارد از نظر ظاهر با حیات دنیوی فرقی ندارد؛ زیرا براساس آیات و روایات، چنین استناد می‌شود که همان‌گونه که انسان در حیات دنیوی از تنفس کردن، خوردن، آشامیدن، لذت بردن و از احساسات و ادراکات علمی و ارادی بهره می‌برد در حیات برزخی و اخروی نیز از خوردن، آشامیدن، رفت‌وآمد کردن، لذت بردن



از مناظر طبیعی، لذت بردن از جمال‌های زیبا، بهره‌مند شدن از نعمت‌های دیگری که مشابه نعمت‌های دنیوی است برخوردار خواهد بود (سعیدی‌مهر، ۱۳۸۱، ۲/۲۴۲)؛

-واقعیت حیات در جهان ماده با عالم برزخ و قیامت متفاوت است و نوع برزخی و اخروی حیات عالی‌تر از نوع دنیوی آن است؛ زیرا محدودیت‌های بدن از میان برداشته می‌شود و روحی که در قالب تن و انجام فعالیت‌های مادی بود، پس از ورود به عالم ماوراءطبیعت آزاد می‌شود و همه حجاب‌ها، دیوارها و محدودیت‌ها کاربردها را از دست می‌دهند. در زندگی دنیوی، محدودیت اسباب و عوامل دستیابی به معارف و دانستنی‌ها وجود دارد که در مرحله زندگی برزخی گسترش ویژه‌ای پیدا می‌کند. آنچه از آگاهی‌ها، اطلاعات و معارف در اختیار ماست با به‌کارگیری حواس پنج‌گانه، عقل، شهود نفسانی و وحی الهی صورت می‌پذیرد، ولی انسان پس از رهایی از بند تن و جداسدن روح از بدن در مرحله دیگری از آگاهی‌ها، معارف، دیدن، تماشا کردن حقایق و اسرار نهفته در عرصه هستی قرار می‌گیرد که در مقایسه با آنچه در دنیا وجود دارد بسیار عالی‌تر و والاتر است و مانند مرحله بیداری در برابر مرحله خواب است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «مردم در زندگی دنیوی در خواب‌اند و هنگامی که از دنیا رفتند، بیدار می‌گردند» (ابی ورام، ۱۳۸۵، ۱/۱۰۵)؛

-عالم ماده، عالم جسم و اجسام مادی است که عوارض و لوازمی دارد مانند محدودیت و ایجاد فساد و تغییر و تحول محسوس و... که همگی ناشی از ماده است، اما عالم برزخ که به آن عالم مثال نیز گفته می‌شود در مقایسه با عالم دنیا، مجرد و منزه از ماده است، ولی آثار و عوارض ماده را دارد مانند کیفیت و کمیت؛ یعنی موجودات برزخی، شکل، حجم، اندازه، تعداد، رنگ و بو و دیگر کیفیات را دارند. در عالم برزخ برخلاف عالم ماده که به دلیل غلظت و جرمی که وجود دارد مانع ادراک‌های قوی می‌شود به دلیل نبودن ماده، ادراکات انسان قوت و شدت بیشتری دارد و احساساتی مانند لذت و شادی، درد و غم و ترس را به مراتب، شدیدتر و قوی‌تر از عالم ماده درک می‌کنند و صورت انسان‌ها در عالم برزخ، رنگ، شکل و حجم دارد، پس در آنجا رنج و خوشحالی،



مسرت و غضب وجود دارد (سعیدی مهر، ۱۳۸۱، ۲/۲۴۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۱۴/۳۲۳؛ حسینی طهرانی، ۱۴۲۳، ۱۶/۲)؛

-در زندگی دنیوی، آزادی اصلی شناخته شده است و برای هرکسی وجود دارد، ولی در زندگی برزخی، آزادی، وجود ندارد و نمادها و تجلیات آزادی نیز مشاهده نمی‌شود. هرگز نمی‌توان پذیرفت که در برزخ یا در قیامت، کسی از آزادی سوءاستفاده کرده و درحق دیگری ستم روا داشته و به عمل خلاف دست زده یا از جایگاه خود قدمی فراتر نهاده است (طباطبایی، ۱۳۸۶، ۱۲/۲۸۸)؛  
-ایجاد حالتی ویژه مانند یقین در برزخ که علامه طباطبایی در المیزان می‌نویسد: «مراد از آمدن یقین، رسیدن اجل و مرگ است که با فرارسیدن آن، حالت غیب به شهادت و شهود و حالت خبر به عیان مبدل می‌شود» (طباطبایی، ۱۳۸۶، ۱۲/۲۸۸)؛

-یکی از مهمترین تفاوت‌های برزخ با عالم مادی این است که دنیا سرای عبادت و محل تکالیف است، ولی برزخ و عالم آخرت محل حساب و کتاب کردن است. در خطبه ۴۲ نهج البلاغه آمده است: «الیوم، عمل ولا حساب و غدا حساب ولا عمل».

قرآن نیز در این باره در سوره زلزله آیات ۷-۸ می‌فرماید: «پس هرکس به قدر ذره‌ای کار نیک کرده باشد (پاداش) آن را خواهد دید و هرکس به قدر ذره‌ای کار زشتی مرتکب شده آن هم به کیفرش خواهد رسید». بنابراین، آنچه در عوالم آینده از برزخ و زندگی اخروی به چشم می‌خورد چیزی است که انسان از دنیا فرستاده نه اینکه آنها را آنجا انجام داده باشد؛ زیرا در عالم مادی، فرصت برای انتخاب و گزینش عقیده و عمل وجود دارد، ولی در عالم برزخ دیگر چنین فرصتی نیست و انجام تکالیف، اختصاص به مرحله زندگی دارد و چنین نیست که انسان فکر کند پس از مرگ فرصت فراوانی دارد تا به اعمال فوت شده پردازد و یا آنها را تکمیل کند.

## ۵. رشد و تکامل انسان‌ها

ارواح انسان‌ها در عالم برزخ همچنان به سیر تکاملی خود ادامه می‌دهند، البته تکامل عملی به این معنی که انسان با انجام کاری به کمال برتر عملی برسد در آنجا امکان ندارد، ولی تکامل عملی





از نظر افزایش معرفت به این معنی که علم و معرفت انسان نسبت به خداوند و بسیاری از معارف دینی افزایش یابد در آن امکان پذیر است. در روایات نیز آمده است که مردگان به دلیل آنکه در عالم برزخی هستند که از نظر مرتبه و درجه بالاتر از مرتبه دنیا است هم از نظر معرفتی و شناختی و هم از نظر اشرف و احاطه علمی و عملی نسبت به دنیا و اهل آن برتر هستند. وقتی انسان می‌میرد پرده‌ها کنار می‌رود و آنها با حقایق ملکوتی آشنا می‌شوند. در عالم برزخ این محدودیت‌های دنیا و موانع وجود ندارد و انسان‌ها از حواس و ادراکات برتری بهره‌مند هستند و شیوه هستی عالم برزخ، برتر و کامل‌تر از این جهان است. به عبارت دیگر، عالم برزخ به عالم ماده احاطه دارد.

#### ۶. عوامل مؤثر در تکامل برزخی انسان‌ها

##### ۶-۱. صلوات بر حضرت محمد و اهل بیت علیهم السلام

یکی از دلایل وجود تکامل برزخی انسان، آیه شریفه صلوات بر محمد و آل اوست. خدای متعال در آیه ۵۶ سوره احزاب می‌فرماید: «و خدا و فرشتگانش بر پیامبر درود می‌فرستند. ای کسانی که ایمان آورده‌اید بر او درود فرستید و سلام گوید و کاملاً تسلیم فرمان او باشید». هر چند این آیه در زمان حیات رسول خدا ﷺ نازل شده و به ظاهر دلالت بر زمان حیات آن حضرت دارد، ولی چون خطاب‌های قرآن عمومیت داشته و شامل همه مسلمانان در هر زمان و مکان می‌شود، حتی در عالم برزخ و آخرت، پس بر هر مرد و زن مسلمان واجب است بر رسول خدا ﷺ و آل آن حضرت درود بفرستد؛ زیرا درود بر محمد و آل او دعا و طلب رحمت و درخواست ترفیع درجه برای آنهاست و این درود فرستادن باعث می‌شود که آنها به درجات بالاتری نائل شوند و این به معنای همان تکامل معنوی است.

##### ۶-۲. صدقات و باقیات صالحات

صدقات جمع صدقه است و به اموالی صدقه گفته می‌شود که در راه خدا به مستمندان و نیازمندان داده می‌شود. این اموال را به این دلیل صدقه می‌گویند که پیش‌مرگ جان، مال و اولاد انسان می‌شود. نوع دیگری از صدقات وجود دارد که به آن صدقه جاریه می‌گویند. صدقه جاریه

به معنای صدقه‌ای است که جریان دارد و به‌طور دائم به صدقه‌دهنده نفع می‌رساند. باقیات الصالحات نیز نام دیگری برای صدقه جاریه است. (مظاهری، ۱۳۸۸، ۲۶/۱) باتوجه به معنی صدقات و باقیات الصالحات، یکی از ابزار و وسایلی که انسان می‌تواند در عالم برزخ به‌وسیله آن به درجات بالاتری برسد باقیات الصالحاتی است که برای پس از مرگ خود به یادگار می‌گذارد (مظاهری، ۱۳۸۸، ۳۰/۱).

#### ۶-۳. مراسم مذهبی

یکی دیگر از اعمالی که در تکامل برزخی تأثیر دارد، مراسمی است که پس از فوت شخص انجام می‌شود. از جمله؛ فاتحه‌خوانی برای اموات در مراسم سوم، هفتم، چهلم و...؛ زیرا ثواب قرآن خواندن و پذیرایی از تسلیت‌گویندگان و احسان به آنها مستقیم نصیب اموات شده و موجب صعود آنها به درجات معنوی بالاتر و تکامل برزخی بیشتر می‌شود. (مظاهری، ۱۳۸۸، ۴۰/۱) بنابراین، می‌توان گفت چون ثواب اهداشده ازسوی دیگران برای اموات سبب رسیدن آنها به درجات بالاتر می‌شود و این نوعی ترقی و تکامل روح اموات است، پس می‌توان گفت که تکامل برزخی امکان دارد.

#### ۷. برزخ، نخستین مرحله از تجسم اعمال

از جمله نکات مهمی که قرآن بارها بر آن تأکید می‌ورزد این است که پایه اصلی نجات انسان در دنیا و آخرت همان ایمان و عمل اوست و چهره واقعی اعمال او نیز در عالم برزخ معلوم می‌شود. در واقع تجسم اولیه اعمال انسان در قبر یا عالم برزخ پدیدار می‌شود. به همین دلیل است که اکثر گناهکاران خواستار بازگشت به دنیا برای انجام اعمال شایسته می‌شوند که به فرموده قرآن درخواست آنها هیچ‌گاه مورد اجابت قرار نمی‌گیرد. علامه طباطبایی می‌فرماید: «انسان هنگامی که در آخرین روز حیات دنیا و اولین روز آخرتش قرار می‌گیرد مال، فرزندان و عمل او پیش رویش مجسم می‌گیرند» (طباطبایی، ۱۳۹۲، ۳۲/۱).



## ۸. فشار قبر

یکی از مسائل مهم مربوط به عالم برزخ و عذاب برزخی، فشار قبر در شب اول دفن میت است. مقصود از فشار قبر این نیست که در این قبور خاکی مادی، فشاری بر بدن مادی انسان‌ها وارد می‌شود، بلکه مقصود از قبر در بسیاری از روایات، عالم برزخ است و مقصود از فشار، عذاب خاصی است که انسان در آن عالم متناسب با اعمالی که در دنیا مرتکب شده است، می‌بیند. فشار و عذاب قبر، جسمانی و روحانی است. امام صادق علیه السلام درباره عالم برزخ فرمود: «مراد از برزخ، قبر است». در حدیث دیگری از ایشان و نیز در برخی از منابع دیگر از پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است که فرمود: «قبر انسان باغی از باغ‌های بهشت یا گودالی از گودال‌های دوزخ است» (مجلسی، ۱۳۶۸، ۲۱۸/۶). بدیهی است اگر قبر به مفهوم گودال خاکی باشد، نمی‌تواند باغ بهشتی باشد به‌ویژه که انسان در داخل گودال خاکی تنها جسدی بی‌روح است و باغ بهشتی بودن آن برایش نفعی ندارد، پس معلوم می‌شود مراد از قبر در این‌گونه روایات، عالم برزخ است.

علامه طباطبایی رحمته الله علیه درباره چگونگی فشار قبر فرمود: «برای روح که از بدن مفارقت نموده تمثل می‌شود که گویا قبر، او را فشار می‌دهد، نه اینکه حقیقتاً قبر جسد را فشار دهد. چنان‌که امور دیگر که بنابر روایات در قبر رخ می‌دهد مانند نشستن در قبر و خوردن سر مرده به سنگ لحد و... همگی تمثل است». (رخشاد، ۱۳۹۲، ۲۲۸/۸) باتوجه به این مطالب نتیجه این می‌شود که ورود و پرسش‌گری فرشتگانی به نام نکیر و منکر با مردگان در عالم برزخ خواهد بود نه درون قبر خاکی و انسان با بدن مثالی در برزخ مورد رأفت و یا کیفر آن دو فرشته قرار می‌گیرد.

## ۸-۱. عوامل فشار و عذاب قبر

اگرچه همه گناهان در عذاب قبر و افزایش آن مؤثر هستند، اما در برخی از روایات از تأثیر گناهانی خاص که برخی از آنها حتی از گناهان کبائر هم محسوب نمی‌شوند سخن به میان آمده است که عبارتند از: سخن چینی، اجتناب نکردن از نجاسات، کناره‌گیری مرد از زن. امام علی علیه السلام در بیان این سه گناه فرمود: «عذاب القبر یكون من التمیمة و البول و عذب الرجل عن اهله» (حرعاملی،

۱۴۰۹، ۳۴۵/۲۱). زنا، رنجش دیگران، غیبت، دروغ، تندخویی و بداخلاقی نسبت به خانواده از این نوع است.

#### ۸-۲. عوامل کاهش یا رفع فشار و عذاب قبر

مداومت بر خواندن سوره زخرف (ابن بابویه، ۱۳۹۲، ۱۱۳/۱). به جا آوردن نماز شب (ابن بابویه، ۱۳۶۳، ۴۷۵/۱). مداومت بر خواندن سوره ملک (کلینی، ۱۳۸۵، ۶۲۳/۲). خواندن سوره تکوین هنگام خواب (کلینی، ۱۳۸۵، ۶۳۳/۲). خواندن سوره نساء در هر جمعه، آیه الکرسی، خواندن چهار رکعت نماز در روز جمعه بین طلوع خورشید و زوال (در هر رکعت سوره‌های حمد، ملک و سجده (حرعاملی، ۱۴۱۴، ۴۰۹/۱۱؛ ۱۸۰/۸). بنابراین، اگر کسی در قبر به معنای گودال خاکی دفن نشد و بدن او روی زمین ماند و پوسید باز تمام این مسائل برای او پیش می‌آید؛ یعنی عذاب قبر دارد و سؤال و جواب های قبر برای او خواهد بود. در نتیجه، همه امور یاد شده در قبر برزخی صورت می‌گیرد نه در قبر خاکی.

#### ۹. نفی شفاعت در عالم برزخ

از بسیاری از روایات ائمه معصومین علیهم‌السلام این نکته روشن می‌شود که شفاعت ائمه علیهم‌السلام در عالم برزخ شامل حال افراد گنه‌کار و گرفتار نمی‌شود و شفاعت ایشان مختص روز قیامت است. امام صادق علیه‌السلام در این باره می‌فرماید: «شیعیان ما با شفاعت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امامان معصوم علیهم‌السلام در قیامت همگی بهشتی‌اند، اما سوگند به خدا از وضع و حالتان در برزخ خوف دارم». منظور امام علیه‌السلام از این جمله این است که در برزخ، شفاعت نیست (کلینی، ۱۳۸۵، ۲۴۲/۳). علامه طباطبایی رحمته‌الله‌علیه نیز وجود شفاعت در عالم برزخ را نپذیرفته و استعانت‌های معصومان علیهم‌السلام در برزخ را نوعی اجازه تصرف از سوی خدا در عالم برزخ می‌داند. بنابراین، معتقد است که شفاعت در عوالم پیش از قیامت محقق نمی‌شود؛ زیرا از دیدگاه ایشان بحث شفاعت پس از مسجل شدن ورود به بهشت یا جهنم معنا می‌یابد و برای این منظور نیز به برخی روایات استناد می‌کنند (طباطبایی، ۱۳۸۶، ۱۷۴/۱).



## ۱۰. بهشت و جهنم برزخی

براساس آیات ۲۶ و ۲۷ سوره یس: «قیل ادخل الجنة قال یلیت قومی یعلمون. بما غفرلی ربی و جعلنی من المکرمین» این نتیجه به دست می آید که انسان‌ها در مدتی که در عالم برزخ هستند دونوع زندگی متفاوت دارند؛ برخی از آنها در بهشت برزخی زندگی می‌کنند و از مواهب آن بهره‌مند هستند و برخی دیگر در دوزخ برزخی وارد می‌شوند و در آنجا عذاب می‌شوند. (طباطبایی، ۱۳۸۶، ۷۹/۱۷) ثمره اعمال انسان‌های مؤمن و نیکوکار در عالم برزخ (قبر) به صورت آسایش و نعمت و نتایج عملکرد انسان‌های غیرمؤمن و بدکردار در قالب رنج و عذاب متجلی می‌شود. در واقع آن عالم محل تجسم اعمال و به تبع آن، نمودی از بهشت و جهنم است چنان‌که روایت مشهوری نیز تصریح می‌کند که قبر (برزخ) هر انسانی متناسب با اعمال دنیوی او باغی از باغ‌های بهشت یا گودالی از گودال‌های جهنم است.

مراد از قبر در اینجا عالم برزخ و منظور از انسان نیز بدن مثالی مرکب از روح اوست و گرنه محل دفن دیر یا زود از بین می‌رود و اگر ظاهر قبر هم از بین نرود، باز اثری از جسم در داخل آن باقی نمی‌ماند. وانگهی چه بسا انسان‌هایی که در اقیانوس‌ها غرق می‌شوند یا در جریان حوادث مختلف از بین می‌روند که هیچ اثری از جسم آنها باقی نمی‌ماند، ولی قالب مثالی آنها به همان شکلی که از دنیا رفته‌اند به برزخ منتقل و بر مبنای عملکرد خود متنعم یا معذب می‌شود. بنابراین، اینکه قبری در کار باشد یا نباشد هیچ تأثیری در وضعیت انسان برزخی ندارد و مهم عملکرد انسان است که همواره در نزد خدا می‌ماند و براساس آن قالب برزخی، بشر ایام خوش یا ناخوشی را سپری می‌کند. (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۸۰، ۴۶۵/۲)

## ۱۱. برزخ، محل آگاهی انسان به حقانیت خداوند

خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: «شما را آفریدیم! روز قیامت به آنها گفته می‌شود: همه شما تنها به سوی ما بازگشت نمودید همان‌گونه که روز اول شما را آفریدیم! آنچه را به شما بخشیده بودیم پشت سر گذارید و شفیعیانی را که شریک در شفاعت خود می‌پنداشتید با شما نمی‌بینیم.

پیوندهای شما بریده شده است و تمام آنچه را تکیه‌گاه خود تصور می‌کردید از شما دور و گم‌شده‌اند». (انعام: ۹۴) صاحب تفسیر المیزان می‌فرماید: «این آیه شریفه خبر از حقیقت زندگی انسانی در نشأت آخرت می‌دهد. آن روزی که انسان با مردن بر پروردگار خود وارد شده و حقیقت امر را دریافته و می‌فهمد که او فقط مدبر به تدبیر الهی بوده و خواهد بود و جز خدای تعالی چیزی زندگی او را اداره نمی‌کرده و نمی‌کند و هرچه را که خیال می‌کرده در تدبیر امر او مؤثر است هیچ‌کدام در تدبیر زندگی او اثر نداشته است. اسبابی که برحسب ظاهر مؤثر به نظر می‌رسند آثارشان همه از خدای تعالی است و هیچ‌کدام از آن اسباب و علل، مستقل در تأثیر نیست» (طباطبایی، ۱۳۶۸، ۳۹۶/۷).

## ۱۲. بازماندن پرونده تبعات اعمال انسان در برزخ

انسان اگرچه با مرگ پرونده زندگی‌اش بسته می‌شود، اما پرونده اعمال او همچنان بازمی‌ماند؛ زیرا ثمرات حاصل از اعمال نیک و تبعات اعمال زشت پس از مرگ نیز تا قیامت به حساب آدمی نوشته می‌شوند، حتی اگر وی در دنیا حضور نداشته باشد. قرآن در یکی از آیات با اشاره به آگاه شدن انسان در روز قیامت از اعمال پیشین و پسین خود می‌فرماید: «(در آن زمان) هرکس می‌داند آنچه را از پیش فرستاده و آنچه را برای بعد گذاشته است» (انفطار: ۵). صاحب تفسیر المیزان در تفسیر این آیه می‌فرماید: «مراد از نفس در این آیه، جنس انسان‌هاست، پس عمومیت را افاده می‌کند و مراد از: «آنچه مقدم و مؤخر داشته» اعمالی است که خودش کرده و سنت‌هایی است که برای بعد از مرگش باب کرده است. هرکس به آن سنت‌ها عمل کند ثواب و عقاب را به حساب او نیز می‌نویسند» (طباطبایی، ۱۳۸۶، ۳۶۷/۲۰) همچنان که فرموده است: «و نکتب ما قدموا و آثارهم» (یس: ۱۲).

## ۱۳. شب‌وروز در عالم برزخ

عالم برزخ مانند عالم ماده شب‌وروز دارد. خداوند به صراحت در آیه ۴۶ سوره غافر از: «غَدُوًّا وَ عَشِيًّا» سخن گفته است. علامه طباطبایی در تفسیر این آیه فرمود: «غَدُوًّا وَ عَشِيًّا». چه بسا این استفاده هم شود که اهل برزخ از آنجا که به کلی از دنیا منقطع نشده‌اند مانند اهل دنیا، صبح و

شام دارند. بنابراین، از این تعبیر استفاده می‌شود که در عالم برزخ، شب‌وروزی همانند شب‌وروز دنیا وجود دارد (طباطبایی، ۱۳۸۶، ۳۸۳/۲۰).

از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «اینکه خدا درباره فرعون فرموده: شب‌وروز بر آتش عرضه می‌شوند در برزخ قبل از فرارسیدن قیامت است»، اما به عذاب آنها در آخرت که جهنم جاویدان خواهند بود در ادامه آیه اشاره کرده و چنین فرموده: «و روزی که قیامت برپا می‌شود، دستور داده می‌شود که آل فرعون را وارد شدیدترین عذاب‌ها کنید» (قمی، ۱۴۰۴، ۲۵۸/۲). این سخن امام صادق علیه السلام بدین معناست که بخش اولیه آیه مربوط به عذاب برزخی و بخش دوم آن مربوط به عذاب اخروی آل فرعون است. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که به دلیل وجود ارتباط بین دنیا و برزخ در بهشت و جهنم برزخی شب‌وروز حاکم است.

#### ۱۴. برخورداری از همراه و همنشین در برزخ

روح انسان نیز در برزخ به صورتی که در دنیا زندگی می‌کرد به سر می‌برد. اگر از نیکان باشد از سعادت و نعمت و جوار پاکان و مقربان درگاه خدا برخوردار می‌شود، اما اگر از بدان است از نعمت و عذاب و همنشینی شیاطین و پیشوایان گمراه برخوردار می‌شود. (طباطبایی، ۱۳۴۸، ۱۰۰/۱)

#### ۱۵. ختم شدن حیات برزخی به مرگ

انسان چه مؤمن و نیکوکار باشد و در عالم برزخ از برکات سفره اعمال خود منتفع شود یا اینکه به دلیل بی‌ایمانی و بدکاری دنیوی در عالم برزخ معذب باشد بالاخره روزی، حیات برزخی‌اش پایان می‌یابد و با مرگی دیگر آماده حشر و نشور در عالم قیامت می‌شود. قرآن این موضوع را از لسان کفار اهل جهنم که دو ممت و حیات دنیا و برزخ را پشت سر گذاشته‌اند چنین نقل می‌کند: «آنها می‌گویند؛ پروردگارا! ما را دوبار میراندی و دوبار زنده کردی. اکنون به گناهان خود معترفیم. آیا راهی برای خارج شدن (از دوزخ) وجود دارد» (غافر: ۱۱). در شرح ذیل این آیه آمده است: «مراد از اینکه می‌گویند: «امتنا اثنتین و احييتنا اثنتين» - دوبار ما را میراندی و دوبار زنده کردی، میراندن در آخرین روز زندگی دنیا و زنده کردن در برزخ و سپس میراندن از برزخ و زنده کردن در قیامت



برای حساب است، پس آیه شریفه که سخن از دو میراندن و دو زنده کردن دارد اشاره به میراندن بعد از زندگی دنیا و میراندن بعد از زندگی در برزخ و احیای در برزخ و احیای در قیامت می‌کند و گرنه: «اماته» و «احیاء» نمی‌شود» (طباطبایی، ۱۳۸۶، ۴۷۵/۱۷). زندگی سه مرحله دارد: ابتدا زندگی در دنیا، دوم، در برزخ و سوم، در قیامت و کفار در این کلام خود متعرض حیات دنیوی نشده‌اند و مرادشان از احیا، آن احیایی است که باعث پیدا شدن یقین به معاد شده است و آن عبارت است از: احیا در برزخ و احیا در قیامت و اما زندگی دنیا هرچند که آن هم احیاست، ولی به خودی خود باعث پیدا شدن یقین به معاد نیست به شهادت اینکه کفار تا چندی که در دنیا بودند نسبت به معاد در شک و تردید بودند (طباطبایی، ۱۳۸۶، ۴۷۵/۱۷).



#### ۱۶. کوتاه بودن عالم برزخ

براساس بیان علامه طباطبایی، عالم برزخ برای همه یکسان نیست؛ گروهی در آنجا زندگی آگاهانه‌ای دارند و از نعمت‌های آن تا روز قیامت استفاده می‌کنند. آنان مقربان و اولیای خدا و مؤمنین حقیقی هستند که از برزخ اطلاع کامل داشته و مدت آن را خوب می‌دانند. گروهی دیگر هر صبح و شام در شکنجه و عذاب برزخی به سر می‌برند و به طور دائم فریاد می‌زنند: «قیامت کی بریا می‌شود؟ خدایا! قیامت را بریا دار. آنها خیال می‌کنند در آن موقع راحت می‌شوند و از عذاب نجات می‌یابند. نمی‌دانند وقتی قیامت بریا شود اول شکنجه و عذاب آنها خواهد بود مانند قابیل، ابن ملجم، معاویه، یزید، عبیدالله، زیاد و غاصبین حق اهل بیت هستند. گروه سوم، افراد مجرم که مانند افراد به خواب رفته، بی‌خبر از مدت و زمان خواب (برزخ) هزاران سال را ساعتی پندارند» (طباطبایی، ۱۳۸۶، ۳۱۰/۱۶).

افراد مجرم و گناهکار، حساب عالم برزخ را ندارند و نمی‌دانند چه مدتی در قبر درنگ کرده‌اند. وقتی در قیامت از آنها می‌پرسند: «چقدر در برزخ توقف کرده‌اید» قسم می‌خورند که: «توقف ما در عالم برزخ بیش از ساعتی نبوده است». قرآن در آیه ۵۵ سوره روم به این مهم اشاره دارد و علامه در تفسیر آیه شریفه می‌فرماید: «این افتراها و حالی به حالی شدن‌ها و میلشان از حق به باطل

همچنان در ایشان ادامه دارد و از ایشان جداشدنی نیست تا قیام قیامت؛ زیرا در آن روز، هم امر بر ایشان مشتبه می‌شود، خیال می‌کنند که بین مرگ و قیامت غیر از یک ساعت از روز درنگ نکرده‌اند همچنان که هر حقی بر آنان مشتبه می‌شد و آن را باطل می‌پنداشتند، پس این آیه حکایت وضع ایشان است که در مسئله فاصله بین دنیا و آخرت دچار اشتباه شده به حدی که پنداشتند که این فاصله ساعتی از یک‌روز بوده است» (طباطبایی، ۱۳۸۶، ۳۰۸/۱۶).

### ۱۷. آغاز و پایان عالم برزخ

خداوند در آیه ۱۰۰ سوره مؤمنون به صراحت تمام از این عالم سخن به میان آورده و زمان پس از مرگ انسان تا روز قیامت را برزخ دانسته است، پس آغاز زمان برزخ هر شخص از همان لحظه پس از مرگ و پایان آن نیز روز قیامت است.

### ۱۸. دلایل قرآنی و روایی در شناخت ویژگی‌های عالم برزخ

یکی از مهمترین منابع اسلامی که با آنها می‌توان ویژگی‌های عالم برزخ را بیشتر شناخت به‌گونه‌ای که هرگونه تردید درباره حقیقت و وجود عالم برزخ از بین برود آیات قرآن و روایات معصومین علیهم‌السلام است.

#### ۱۸-۱. ادله قرآنی

#### ۱۸-۱-۱. عالم مثال

در آیات ۹۹-۱۰۰ سوره مؤمنون خداوند فرموده است: «حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ. لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا أَنهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ». در این آیات به وجود عالمی بین مرگ و قیامت به نام برزخ تصریح شده است. علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می‌گوید: «منظور از برزخ، عالم قبر است و آن عالم مثال است که آدمی بعد از مرگش تا قیام قیامت در آن زندگی می‌کند و این مفاد آن چیزی است که از سیاق فهمیده می‌شود و روایات بسیاری از طریق شیعه و اهل سنت در این باره وارد شده است».

۱۷-۱-۲. عذاب اهل دوزخ

«وَحَاقَ بِالْأَلِّ فِرْعَوْنَ سُوءُ الْعَذَابِ النَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ». (غافر: ۴۵-۴۶) علامه در تفسیر این آیه فرمود: «این آیه شریفه در افاده چند نکته است: اول اینکه با آل فرعون صریح معامله می‌شود که اول آنان را بر آتش عرضه می‌کنند و سپس آنان را در آن داخل می‌کنند و این هم پیداست که داخل آتش شدن سخت‌تر است. نکته دوم اینکه عرضه آنان بر آتش قبل از روز قیامت است که در آن روز دوزخیان را داخل دوزخ می‌کنند. پس آن عالم برزخ بین دنیا و آخرت است. نکته سوم اینکه شکنجه در برزخ با شکنجه در قیامت به وسیله یک چیز و آن آتش صورت می‌گیرد. چیزی که هست اهل برزخ از دور از آتش رنج می‌برند و اهل قیامت در داخل آن قرار می‌گیرند و در اینکه فرمود: «غُدُوًّا وَعَشِيًّا» اشاره است به اینکه عرضه کفار بر آتش پشت سرهم واقع می‌شود و لاینقطع ادامه می‌یابد» (طباطبایی، ۱۳۸۶، ۵۰۸/۱۷).



۱۸-۱-۳. منزلگاه اصحاب جنت

«وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْنَا الْمَلَائِكَةُ أَوْ نَرَى رَبَّنَا لَقَدِ اسْتَكْبَرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ وَعَتَوْا عُتُوًّا كَبِيرًا يَوْمَ يَرَوْنَ الْمَلَائِكَةَ لَا بُشْرَى يَوْمَئِذٍ لِلْمُجْرِمِينَ وَيَقُولُونَ حَجْرًا مَحْجُورًا وَقَدِمْنَا إِلَى مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَنْثُورًا أَصْحَابُ الْجَنَّةِ يَوْمَئِذٍ خَيْرٌ مُسْتَقَرًّا وَأَحْسَنُ مَقِيلًا وَيَوْمَ تَشَقُّقُ السَّمَاءِ بِالْقَمَامِ وَتُزَلَّلُ الْمَلَائِكَةُ تَنْزِيلًا الْمُلْكُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ لِلرَّحْمَنِ وَكَانَ يَوْمًا عَلَى الْكَافِرِينَ عَسِيرًا». (فرقان: ۲۱-۲۶) علامه طباطبایی فرمود: «زمانی که ترجمه‌اش را بخوانی به روشنی به دلالت آن بر وجود عالم برزخ پی می‌بری؛ زیرا در این آیات می‌فرماید: قبل از پاره شدن آسمان در قیامت، اصحاب جنت منزلگاهی دارند که بهترین منزل‌هاست، پس باید زندگی داشته باشند تا محتاج به منزل باشند» (طباطبایی، ۱۳۸۶، ۲۸۰/۱۵). علاوه بر این آیات، آیات دیگری نیز در قرآن ذکر شده است که از مجموع آنها دریافت می‌شود که عالم برزخ واسطه بین عالم دنیا و عالم آخرت است و اینکه بعد از مرگ، عالم برزخ است تا روزی که قیامت برپا شود و این برزخ، عالم قیامت نیست؛ یعنی انسان پس از مرگ بلافاصله به روز قیامت منتقل نمی‌شود.

## ۱۸-۲. ادله روایی

در روایات نیز معصومین علیهم السلام به وجود عالم برزخ اشاره کرده‌اند از جمله:

- در احادیث معتبر از پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام در توضیح عالم برزخ چنین وارد شده است: «البرزخ هو القبر و هو الثواب و العقاب بین الدنیا و الآخرة و قول الصادق علیه السلام و الله ما نخاف علیکم الا البرزخ». (حویزی، ۱۴۱۵، ۵۵۳/۳) برزخ همان قبر و همان امر بین دو امر ثواب و عقاب بین دنیا و آخرت است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «به خدا سوگند من بر شما (شیعیان) نمی‌ترسم جز از مرحله برزخ بین دنیا و آخرت».

- در جای دیگر امام صادق علیه السلام جهان برزخ را فاصله میان زمان مردن تا زمان قیام قیامت معرفی کرده و فرمود: «از هنگام مرگ، آدمی وارد برزخ می‌شود؛ خواه او را در زمین دفن کنند یا وی را با آتش بسوزانند یا غذای درندگان شود یا در دریا غرق گردد». (حویزی، ۱۴۱۵، ۵۵۳/۳)

- در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است: «القبر اما روضه من ریاض الجنة او حفرة من حفر النیران». این حدیث در منابع شیعی با همین تعبیر از امیرمؤمنان علیه السلام و امام سجاد علیه السلام نیز نقل شده است. باید گفت مقصود از اینکه قبر، باغی است از باغ‌های بهشت یا گودالی از آتش است همان عالم برزخ است و این نکته‌ای است که از روایات مربوط به عالم برزخ می‌توان به دست آورد. این عبارت که قبر، باغی است از باغ‌های بهشت یا گودال آتش، حکایت از عذاب یا نعمت الهی می‌کند و اینکه انسان پس از مردن یا از نعمت الهی برخوردار است و یا در عذاب گرفتار خواهد بود جز با حیات برزخی معنا ندارد (مجلسی، ۱۳۶۸، ۲۱۴/۶).

## ۱۹. نتیجه‌گیری

تمام ادیان الهی و عقول بشری در طول دوران‌های مختلف حیات انسان، مبدأ و مقصد را پذیرفته و آن را قبول کرده‌اند و آنچه نقطه بحث برخی اندیشمندان در این باره است جز بیان کیفیت رستاخیز و معاد نیست. دین اسلام که اکمل و اتم ادیان الهی است برجسته‌تر از همه ادیان دیگر، قیامت و حوادث پس از مرگ را به تفصیل مطرح کرده و با براهین محکم اثبات کرده است. یکی از

این حوادث که با بدود گفتن انسان از حیات دنیوی آغاز می‌شود برزخ است. برزخ را به دلیل تقریب به ذهن می‌توان به عالم رؤیا تشبیه کرد. آنچه در حال رؤیا می‌بینید نه روحی مجرد و باطنی غیرمعین است و نه جسمی واقعی و ظاهری غیرقابل تردید، بلکه در عالم خواب، هر جسمی به همان شکل مادی و با حفظ ابعاد سه‌گانه خود، ولی بدون عوارض آنها تحقق می‌یابد به طوری که با دیدنش آن را همان جسم و مثل آن می‌بینید، پس برزخ، عالمی است که انسان‌های مثالی در کنار هم، چون عالم جسمانی زندگی می‌کنند و لذت و سختی دارند. این عالم مانند جهان ماده نیست که در آن جسم، عوارض جسمانی مانند مکان و زمان داشته باشد و چون عالم تجرد نیست که همه چیز به طور کامل مقطوع از ماده شود، بلکه عالمی است مثل عالم ماده از نظر شکل و صورت و غیر آن از نظر ماده و خواصش. دنیا محل آزمایش، پرورش و تحصیل کمالات علمی و عملی برای آخرت است. به تعبیر برخی از آیات و روایات، دنیا مزرعه، میدان تمرین و یا به منزله عالم جنین برای جهان آخرت است. آخرت هم مرکز انوار الهی، دادگاه بزرگ حق، محل رسیدگی به حساب اعمال و جوار قرب و رحمت خداوند است. بنابراین، می‌توان گفت که فلسفه عالم برزخ که در فاصله میان دنیا و آخرت قرار گرفته مانند فلسفه هر چیز دیگری است که به منظور فاصله انداختن میان دو چیز مورد استفاده قرار می‌گیرد. انتقال از محیطی به محیط دیگر که از هر نظر با آن متفاوت است در صورتی قابل تحمل است که فاصله‌ای وجود داشته باشد؛ فاصله‌ای که بعضی از ویژگی‌های مورد اول و پاره‌ای از ویژگی‌های مورد دوم در آن جمع باشد.

قیامت برای همه انسان‌ها در یک روز تحقق می‌یابد؛ زیرا زمین و آسمان باید دگرگون شود، عالمی جدید و نو ایجاد شود، حیات نوین انسان‌ها در آن عالم صورت گیرد باین حال راهی جز این نیست که در میان دنیا و آخرت برزخی باشد و ارواح به مرور زمان بعد از جدا شدن از بدن‌های مادی عنصری به برزخ منتقل شوند و به اصطلاح، آیندگان به رفتگان پیوندند و تا پایان دنیا در آنجا جمع شوند. پس از پایان دنیا و آغاز آخرت، همه با هم محشور می‌شوند؛ زیرا ممکن نیست که هر انسانی برای خود قیامتی داشته باشد؛ زیرا قیامت بعد از فنای دنیا و تبدیل زمین و آسمان‌ها به زمین و آسمان‌های دیگر است و همه مردم باید برای حسابرسی اعمال در یک روز و یک



سرزمین اجتماع کنند. بنابراین، هم اکنون عالم برزخ وجود دارد و کسانی که مرده اند در این عالم به سر می برند. به عبارت روشن تر وقتی انسان مرد، بدن او مرده است، اما روح او از بدن جدا شده و زنده است؛ زیرا روح از عوارض جسم دنیایی نیست تا با مرگ جسم او نیز بمیرد، بلکه روح، گوهر مستقلی است مجرد از بدن که بدون جسم عنصری نیز به بقای خود ادامه می دهد.

## فهرست منابع

- \* قرآن کریم (۱۳۸۰). مترجم: مکارم شیرازی، ناصر. تهران: انتشارات هیئت علمی دار القرآن الکریم دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
۱. فیض الاسلام، علی نقی (۱۳۶۸). نهج البلاغه. تهران: سازمان چاپ و انتشارات فقیه.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۳). من لایحضره الفقیه. قم: انتشارات جماعه المدرسین فی الحوزه العلمیه، مؤسسه النشر الاسلامی.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۲). ثواب الاعمال و عقاب الاعمال. بی جا، شمیم کوثر.
۴. ابی ورام، مسعود بن عیسی (۱۳۶۹). مجموعه ورام. مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
۵. حویزی، عبدعلی بن جمعه (۱۴۱۵). تفسیر نورالثقلین. قم: نشر اسماعیلیان.
۶. حرعاملی، محمد بن الحسن (۱۴۱۴). وسائل الشیعه. قم: مؤسسه آل البیت علیهم السلام.
۷. حسینی طهرانی، سید محمدحسین (۱۴۲۳). معادشناسی. قم: انتشارات علامه طباطبایی.
۸. رخشاد، محمدحسین (۱۳۹۲). در محضر علامه طباطبایی. قم: انتشارات سماء قلم.
۹. سعیدی مهر، محمد (۱۳۸۱). آموزش کلام اسلامی. قم: کتاب طه (مؤسسه فرهنگی طه).
۱۰. سبحانی، جعفر (۱۳۷۲). محاضرات فی الالهیات. تلخیص: علی الریانی الگلپایگانی. قم: جماعه المدرسین الحوزه العلمیه.
۱۱. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۸۶). تفسیر المیزان. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۲. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۹۲). حیات پس از مرگ. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۳. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۸). شیعه در اسلام. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۴. غضنفری، علی (۱۳۸۶). شگفتی های عالم برزخ. قم: انتشارات نیلوفرانه.
۱۵. قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴). تفسیر اقمی. قم: دار الکتاب.
۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۵). اصول کافی. قم: انتشارات قائم آل محمد.
۱۷. مظاهری، محمد (۱۳۸۸). انسان در عالم برزخ. بیروت: دار الفکر.
۱۸. مکارم شیرازی، ناصر. و جمعی از همکاران (۱۳۸۰). تفسیر نمونه. تهران: انتشارات دار الکتب الاسلامیه.
۱۹. مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی (۱۳۶۸). بحار الانوار. بیروت: دار احیاء التراث العربی.